

# تندیس‌های گم‌شده آقای ارژنگ

سیده‌نعمیه زینبی| بعضی از خاطرات آن قدر در ذهن انسان پرنگ نقش بسته‌اند که به راحتی پاک نمی‌شوند. گاهی این یادها چنان سفت و سخت به گوشه‌گوشه ذهن چسبیده‌اند که سال‌ها پس از اینکه از دیده‌ها رفتند، همچنان مجسم و قابل‌تصور باقی می‌مانند و می‌توان بارها از جزئیاتشان گفت‌وشنید. مجسمه‌های دریاچه‌کوهسنگی از همین نوع خاطرات‌اند که تصویرشان نزد بزرگ‌ترهای ما که آن‌ها را از نزدیک دیده‌اند یا عکسی به یادگار با آن‌ها گرفته‌اند همچنان قرص و محکم و پایرجاست. مشهور است که این مجسمه‌ها را شهرداری میلان به مشهدی‌ها اهدا کرده است؛ ادعایی که سندی برایش وجود ندارد. اما در مرکز اسناد آستان‌قدس مدارکی وجود دارد که این گزاره را نفی می‌کند و ما را به روایت واقعی‌تری می‌رساند. این مجسمه‌ها نزدیک ۴۶ سال است که دیگر سرچایشان نیستند و کسی از سرنوشتشان چیز زیادی نمی‌داند. اما همچنان یادشان میان مردم مشهد زنده است. امروز به سراغ روایتی از این مجسمه‌ها براساس اسناد ومدارک رفته‌ایم که در تصاویر قدیمی جلوی عمارت کوهسنگی جا خوش کرده‌اند. اگرچه در واقعیت جای خالی بیشتترشان سال‌هاست درد می‌کند.

- قرارداد با یک مجسمه‌ساز معروف

بگذارید در شروع این ماجرا به سراغ قراردادی برویم که اکنون دیگر حدود ۸۷سال قدمت دارد و خودش بخشی از تاریخ این شهر شده است. این قرارداد هم‌زمان با استخر و عمارت کوهسنگی برپا می‌شود. این نکته ما را متوجه این موضوع می‌کند که برحسب ظاهر مسئولان امر از همان ابتدا قصد داشته‌اند این سازه‌های نوساز شهر را به زینت تندیس‌ها بیاریند. این قرارداد میان اداره کاربردازی آستان‌قدس و با‌اجاره از کاروان. نایب‌التولیه وقت، و غلامرضا رحیم‌زاده‌ارژنگ برای ساخت چند مجسمه بسته می‌شود. برای آشنایی بیشتر با‌ارژنگ که طرف‌دیگر این قرارداد است نیز باید گفت او متولد شوروی و در ایران زیسته بود. او نقاش، مجسمه‌ساز و پیکرتراشی بود که در دانشگاه کشف در رشته نقاشی و مجسمه‌سازی درس خواند و بعد به ایران آمد. از آثار برجسته ارژنگ می‌توان به تندیس نبرد گرشاسب با ارژده در سال ۱۳۱۵ و مجسمه‌های شیرورودی ساختمان صندوق پس‌انداز بانک ملی، نقش برجسته انوشیروان دگر در کاخ دادگستری، مجسمه فردوسی در میدان فردوسی مشهد (کار مشترک بود با اسماعیل، فرزندش، وحسن ارژنگ‌نژاد، پسرخاله‌اش) و نقش برجسته بهرام‌گور و خسروپرویز در کاخ سعدآباد (کار مشترک با حسن ارژنگ‌نژاد) اشاره کرد. حسن ارژنگ که لقب پدر مجسمه‌سازی ایران، کننا نامش نشسته است، سال‌ها شاگرد غلامرضا رحیم‌زاده در کارگاه‌های پشت‌مدرسه سپهسالار در کوچه اعتبار بوده است وهم او هم ارژنگ جوان را برای بیشتر آموختن، راهی لبنان و سپس اروپا می‌کند تا به مجسمه‌ساز قابلی که می‌شناسی بدل شود.

خلاصه رحیم‌زاده با چنین سابقه‌ای قدم به مشهد می‌گذارد و بیای قرارداد مجسمه‌های کوهسنگی می‌نشیند. این قرارداد در ۲۲ تیرماه سال ۱۳۱۶ خورشیدی بسته می‌شود و در آن ارژنگ تعهد می‌کند که مجسمه‌های زیر را در طول مدت دو ماه بسازد و نصب کند. فهرست بلندبالای این مجسمه‌ها در قرارداد به این شکل ذکر شده است: «مجسمه نهنگ و پهلوان مطابق نقشه ضمیمه که امضا شده که پهلوان آن به ارتفاع دومترونیم است با رنگ برنزی، دو عدد گلدان بزرگ که صدسانی متر



نمایی از مجسمه نبرد گرشاسب و ارژده ساخته استاد ارژنگ

ارتفاع داشته باشد با رنگ سربی. چهار عدد ابوالهول هریک به ارتفاع در حدود ۹۵ سانتی‌متر به رنگ مسی، دو عدد حوض دوطبقه با مجسمه که به دو حوض جنبین استخر بخورد و کلیه ارتفاع آن دومترونیم باشد به رنگ مسی. دو عدد مجسمه پهلوان در حال ورزش به رنگ برنزی. چهار عدد شیر به اندازه‌های شیرهای جلو بانک ملی تهران به رنگ برنزی. شش عدد پیکر هرکدام به ارتفاع ۱۸۰ سانتی‌متر به رنگ نقره.» در مفاد دیگر این قرارداد آمده است که مجسمه‌ساز باید این پیکره‌ها را با مشخصات بالا بسازد و آن‌ها را در مشهد در محلی که از طرف آستان‌قدس تعیین می‌شود نصب کند. از دیگر تعهدات ارژنگ در این پیمان استفاده از بهترین بتون‌آرمه و مواد اولیه و همچنین رفیق‌عبق و نقض مجسمه‌ها تا یک سال پس از نصب آن‌هاست. در نهایت، پیکرتراش در مجموع برای این تعداد تندیس مبلغ ۴۰ هزار ریال در سه قسط دریافت می‌کند.

- کمک از کارخانه نخریسی برای حمل مجسمه‌ها

البته ساخت مجسمه‌ها یک مسئله است و انتقال آن‌ها به جایی که باید نصب شود یک ماجرای دیگر. برای درک بهتر این ماجرا باید به سال‌های حدود ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۹ برویم؛ زمانی که خبری از فناوری نیست و حتی تأمین برق شهر هم با مشکل مواجه است. فقط دو کارخانه در شهر وجود دارد. کارخانه قند آبکوه و کارخانه نخریسی و کارخانه نخریسی تنها منبع تأمین برق در شهر است. از سوی دیگر، ماشین‌ها نیز هنوز خیابان‌های شهر را تسخیر نکرده‌اند و کلمه جرثقیل شاید به نظر مردم ناآشنا و غریب برسد. در چنین شرایطی است که از انتقال مجسمه‌ها به کوهسنگی و نصب آن‌ها صحبت می‌شود. در مرکز اسناد آستان‌قدس رضوی، تعدادی نامه اداری وجود دارد که از ارسال جرثقیل برای انتقال مجسمه‌ها توسط شرکت نخریسی و نساجی خسروی خراسان خبر می‌دهد. در این سند با شماره ۱۳۷۷۴۸ آستان‌قدس



نمایی از گلدان‌های ساخته شده توسط استاد ارژنگ

روزی روزگاری مشهد



(آن زمان کوهسنگی زیر نظر این اداره بود) از کارخانه نخریسی برای جابه‌جایی این پیکره‌های سنگین تقاضای کمک می‌کند. ظاهراً آن زمان این شرکت تنها جایی است که به جرثقیل (یا وسیله‌ای شبیه به این برای جابه‌جایی وسایل سنگین) دسترسی دارد و دیگر کارخانه‌ها و ادارات شهر مانند کارخانه قند یا شهرداری نیز چنین درخواستی از این شرکت داشته‌اند. مجسمه‌ها با موفقیت نصب می‌شوند اما ماجراهای دیگری در راه است.

- مجسمه‌ها به کوهسنگی می‌آیند

با هر دردی که هست زیرسازی این مجسمه‌ها در ۲۴ شهریور به پایان می‌رسد و هفده مجسمه سر جای خودشان قرار می‌گیرند. مجسمه و فواره دو حوض کوچک در طرفین عمارت قرار می‌گیرند. چهار شیر در طرفین پله‌ها نصب می‌شوند. گلدان‌ها جلوی ایوان عمارت جا خوش می‌کنند و دو شیر بزرگ نیز در پله‌های ورودی به میهمانان کوهسنگی خوشامد می‌گویند. شش پیکره انسان نیز در دورتادور استخر زندگی‌شان را شروع می‌کنند. قالب مجسمه نهنگ نیز در محل کوهسنگی ریخته و نصب می‌شود. تکه‌های مجسمه‌های بزرگ در کوهسنگی سرهم می‌شود. البته ظاهراً دم یکی از شیرهای بالدار در زمان حمل‌ونقل از تهران به مشهد می‌شکند و آن را وصله می‌کنند. دم این شیر برای ارژنگ دردسرساز می‌شود؛ زیرا کارگزار کوهسنگی گزارش می‌دهد که



مجسمه شیرهای کوهسنگی، ساخته استاد ارژنگ

## «باغ آرایی» با موازین طراحی ایرانی

نوشتر ندارد. دکتر محمد مصدق فرزند ملک تاج خانم نجم‌السلطنه، دختر نصرت‌الدوله، و واقف بیمارستان نجمیه در تهران بود. نکته‌شاخصی که باید در این تصاویر بسیار زیبا در نظر داشت و از آن غفلت نکرد، استفاده گسترده از دست‌سازهای سنگی است. این کار صرفاً برای زیبایی انجام نمی‌گرفت. استفاده از سنگ برای حفظ کیفیت آب و همچنین دوام و بقای بیشتر سازه، از قدیم‌الایام مرسوم بود. در روایت «شیرین و فرهاد»، مندرج در کتاب «خمسه»، نظامی گنجوی، فرهاد برای جلب رضایت شیرین، از ارتفاعات و میان سنگ‌ها، جوبی حفر می‌کند تا شیر تازه از بالای کوه، با سرعت و به سلامت به دست شیرین برسد؛ بنابراین، استفاده از سنگ با چنین هدفی در سازه‌هایی از این دست، در تاریخ چند هزار ساله ایران رواج کامل داشت. از سوی دیگر، در این تصاویر می‌توان تلفیق دانش‌های زمین‌شناسی، جغرافیا و مکانیک سیالات را دید که با هنرمندی خاص، اسباب ایجاد تفرجگاهی زیبا و چشم‌نواز را بسبک ایرانی فراهم کرده است. هدایت آب از ارتفاعات و در مسیر مناسب، بدون اطلاع از چندوچون مشخصات و معیارهایی که در این علوم مورد بررسی قرار می‌گیرند، امکان‌پذیر نیست. باغ نصرت‌الدوله از باغ‌های مورد توجه و پسند ناصرالدین‌شاه بود. باغ مذکور در نواحی شمال تهران، محدوده نصرت‌آباد (خیابان نصرت فعلی) قرار داشت و برخی، به اشتباه، آن را به عبدالحسین میرزا فرمانروما، پسر نصرت‌الدوله، نسبت داد‌اند.



درباره قلعه «فورگ»، سر باترین قلعه جنوب خراسان

قلعه‌ای در میان کوهستان قهستان



هادی دقیق| منطقه کویری جنوب خراسان سواى اینکه از لحاظ طبیعى جذابیت‌های فراوانی دارد، منطقه‌ای است که جای‌جایش قدمت و تاریخ خراسان را فریاد می‌زند. این تاریخ پربار که طبق آخرین یافته‌های باستان‌شناسی می‌شود سر را ن به انسان نخستین پیوند زد. در اوایل دوره اسلامی با نام اسماعیلیان و سنت قلعه‌سازی آن‌ها گره خورده است. اسماعیلیان در میان کوهستان و کویر جنوب خراسان، هر جا موقعیتی مناسب می‌دیدند، قلعه‌هایشان را آنجا می‌ساختند. این سنت اما در دوره‌های بعد هم ادامه می‌یابد و از این حیث می‌شود سرزمین قهستان را سرزمین قلعه‌ها دانست. بیشتر قلعه‌های منطقه جنوب خراسان در نقاط کوهستانی ساخته شده‌اند و اصلاً نام قهستان هم از این‌همه کوه و کوهستان منطقه آمده است؛ کوهستان‌هایی که در میانشان کویرهایی ماسه‌ای مثل همت‌آباد و سه‌قلعه هم دیده می‌شود. با این تفاسیر، یکی از قلعه‌های چشم‌نواز در میان قلعه‌های پرشمار منطقه، در نزدیکی شهرستان درمیان خراسان جنوبی قرار دارد. قلعه فورگ در روستایی به همین نام و در شمال شهرستان درمیان و در شرق بیرجند و بین این شهر و مرز افغانستان قرار دارد. قلعه فورگ اسفند ۱۳۷۹ به‌عنوان اثری مربوط به دوره افشاریه در فهرست آثار ملی ایران قرار گرفته‌است.

- قلعه‌ای در میان باغ‌های زرشک

پیش‌تر هم گفتیم که بیشتر قلعه‌های قهستان روی بلندی و کوه ساخته شده‌اند. اما برخی قلعه‌های معروف این منطقه مثل قلعه طیس مسینا در نزدیکی فورگ هم در دشت ساخته شده‌اند که اتفاقاً شواهد تاریخی، نفوذناپذیریون آن‌ها را هم گواهی می‌دهند. یکی از همین قلعه‌های خنجر و سخت‌گذر کوهستانی قهستان، قلعه فورگ است. هیبت قلعه و دیوارهای بلندش که روی تپه ساخته شده است، در کنار روستای تاریخی فورگ چشم‌هره‌گدزی را خیره می‌کند. به جز این، دیدن هم‌زیستی روستا با قلعه که گرداگرد آن شکل گرفته است، چیزی بیشتر از حظ بردن از یک نمای تاریخی به انسان می‌بخشد؛ حسی عجیب که وصفش را فقط باید بای همان کاهگل و خشت و آجر به چشم دید و داستانش را به گوش دل شنید. از این رو، خانه‌های روستا به‌شکلی پلکانی، مثل نقش‌ونگار پارچه روی دامن، پایه‌های قلعه را می‌پوشانده‌اند تا آخرین خانه که به باغ‌های زرشک می‌رسد، روستای فورگ هم مثل خیلی از روستاهای اطرافش پیر از باغ زرشک است. جدا از این‌ها، در میان باغ‌های زرشک روستا، یک درخت سرو کهن سال هم قرار دارد که همچنان برای اهالی محترم است. این‌ها همه جاذبه‌های فورگ نیستند، خانه‌های تاریخی، کوجه‌ها و ساساط‌های سنگ‌فرش شده و نسبتاً تنگ و کاهگل اندود شده که یکی یکی پشت‌بند هم جا خوش کرده‌اند. جاذبه‌های دیگر فورگ هستند که هم‌زمان، حسن زندگی در کنار قلعه‌ای متروکه را به‌عنوان سرریز این همه جذابیت به خورد مخاطب می‌دهند.

- ساختار و تاریخ قلعه فورگ



خوشبختانه از قله فورگ یک کتیبه باقی مانده است که می‌شود تاریخ‌ساخت آن را دقیق‌تر دانست. در انبار قلعه یک کتیبه قرار دارد که در پایان آن نوشته شده است: «عمل استاد ابوسعید جزیکی، سنه ۱۲۱۷». ساخت قلعه فورگ در زمان نادرشاه توسط میرزا بقاخان، حاکم منطقه، شروع شده است و پس از او پسرش، میرزا رفیع‌خان، ساخت آن را به پایان می‌رساند. از این رو، قلعه فورگ به قلعه میرزا رفیع‌خان هم معروف است. مصالح به‌کاررفته در قلعه سنگ، آجر، خشت، گچ، آهک و ساروج است. قلعه فورگ روی صخره‌ای سنگی همراه با هجده برج ساخته شده است. با وجود این، برخی از این برج‌ها در طول این چندصدسال تخریب شده‌اند. اما دیوارهای بلند قلعه همچنان یادآور روزگار اوج رونق آن است. دورتادور قلعه با حصار و برج‌های مدور احاطه شده است و گنگره‌های بالای دیوارها هم گواهی می‌دهند که روزگاری از بین هر کدام از آن‌ها سر یک سرباز مسلح بیرون بوده و از دشت نگرهبانی می‌کرده است.

دروازه اصلی قلعه در ضلع شرقی است و یک دروازه کوچک‌تر هم در ضلع شمالی آن قرار دارد. پلان قلعه فورگ نامنظم است و شاید عامل آن را بشود شکل‌گیری قلعه بر اساس شکل خاص کوه و توپوگرافی آن دانست. فضای داخلی قلعه از شرق به غرب به سه قسمت تقسیم می‌شود؛ بخش نخست در شرق قلعه شامل انبار علوفه، محل زندگی خدمه، محل نگهداری احشام و حوض انبار است، بخش دوم محل نگهداری آذوقه و تدارکات نظامی و محل سکونت سربازان است و سومین بخش که قسمت اصلی قلعه است، در دو طبقه احداث شده و محل سکونت حاکم و نزدیکانش بوده و از دیگر قسمت‌های قلعه بلندتر است. در نتیجه، شاه‌نشین قلعه که در بلندترین نقطه آن قرار دارد، به بقیه فضاهای قلعه اشراف دارد. خود این شاه‌نشین هم چند برج دیده‌بانی مجزا از داخل قلعه دارد. در کل، قلعه طوری احداث شده است که بر کل روستا و راه‌های ارتباطی پیرامون منطقه اشراف داشته‌باشد. آثار و بقایای معماری داخل قلعه، بیانگر بازسازی آن در چند مرحله است که در بعضی از این بازسازی‌ها بر وسعت قلعه نیز افزوده شده است. شواهد تاریخی می‌گویند تاریخ این قلعه ممکن است خیلی قدیمی‌تر از این باشد. زیرا برخی سفال‌های دوره تیموری و حتی به‌ندرت، چند قطعه سفال از دوره سلجوقی هم در این قلعه یافت شده است. با همه این‌ها، قلعه فورگ در نهایت در دوره قاجار، به دلیل آنچه طغیان حاکم وقت گفته شده است، فتح و تخریب می‌شود و تقریباً به همین روزی می‌افتد که امروز دیده می‌شود. با وجود این، قلعه فورگ همچنان سرپراتین قلعه جنوب خراسان است.